

## داستان عشقی حسین و یزید

پس از انتشار نوشتاری در این خصوص نامه ای از استاد دکتر شفا دریافت نمودم که حیفم آمد نوشته استاد را پیوست این نوشتار نکرده باشم، و از افتخاری که از این رهگذر نصیب اینجانب شده سپاسگزاری نمایم.

نوشته اند:

«مارس ۲۰۰۴»

دوست ارجمند .... متن جالب شما را در مورد ارزیابی جنگ کربلا و داستان عشقی اورینب با علاقه خواندم. البته این ماجرا را قبلا نیز خوانده بودم ولی نه به این جامعیت و تفصیلی که شرح ارسالی شما داشت.

عقیده شخصی من این است که این ماجرا تنها یکی از عوامل جنبی واقعه کربلا بود نه عامل بنیادی آن. این عامل بنیادی مبارزه برای قدرت بود که در جهان اسلام از همان هنگام در گذشت محمد انگیزه اصلی تمام تحولات و تمام جنگ ها و توطئه ها ساخت و پاخت های این جهان بود. پس از قتل علی، فرزند ارشد او حسن مدعی خلافت قانونی عرب در برابر معاویه شد و حتی صحبت از جنگ طرفین نیز بمیان آمد، ولی با پولهای فراوانی که معاویه به وی پیشنهاد کرد و تعهداتی که در باره واگذاری خلافت به حسین برادر کوچکتر او پس از مرگ معاویه بعهده گرفت حسن که اصولا اهل مبارزه نبود از دعوی خلافت خود صرفنظر کرد و ترجیح داد که زندگی آرامی را با ۷۰ زن پیاپی خویش بگذراند، و ظاهرا بدستور معاویه از جانب یکی از همین زنان مسموم شد. ولی معاویه در این میان با زیر پا گذاشتن تعهد خود زمینه را برای موروثی کردن خلافت و تعیین پسرش یزید به جانشینی خویش راه را بر خلافت حسین بسته بود، و برای حسین راهی نمانده بود جز اینکه مشروعیت خود را از راه سر باز زدن از بیعت با یزید و رویارویی با او مطالبه کند.

عزیمت او به کوفه نیز بدنبال وعده شیعیان این شهری که کانون اصلی طرفداران علی و خاندان او بود در پشتیبانی از او دعوت وی به شهر خود صورت گرفت، و فقط رشوه های بیدریغ ابن زیاد حاکم اعزامی یزید به سران شهر بود که کوفیان از پشتیبانی او خودداری کردند، و جنگ حسین در کربلا جنگی بود که از این راه به وی تحمیل شد و عملا چاره ای جز آن برایش باقی نماند. این واقعیت نیز شایان تذکر است که تا زمان شهادت حسین و یاران او در کربلا اساسا مسئله امامت مطرح نبود و تنها صحبت از خلافت در میان بود. موضوع امامت فقط بعد از مرگ حسین یعنی از زمان زین العابدین امام چهارم شیعه مطرح شد، زیرا دیگر امیدی برای انتقال خلافت موروثی به خاندان علی باقی نمانده بود.

داستان رقابت یزید با حسین در مورد اَیْتَنب نیز تنها داستانی از این نوع نیست که تاریخ نویسان شیعه در این راستا حکایت کرده اند، زیرا نظیر این داستان را نیز در مورد همسری شهربانو دختر ادعانی یزدگرد و نارضانی یزید که بنوبه خود خواهان او بود از این بابت، روایت کرده بودند. منتها در هر دو مورد (منجمله در مواردی که خودتان به کتاب زین العابدین رهنما استناد کرده اید) این روایتها طوری ارائه شده است که شیدا به نفع حسین و به زیان یزید باشد.

با بهترین مراتب دوستی شجاع الدین شفا»

آنچه اینجانب نوشته بود...

## داستان عشقی یزید و حسین

### اورینب در کربلا یا حکومت در کوفه؟

نزدیک به ۱۴۰۰ سال است مذهب یون شیعه حسین را در این روزها (عاشورا و تاسوعا) پای منبرهای دروغ و نیرنگ میکشند و حسینم حسینم راه انداخته و لعنت بر یزید میفرستند. عده ای هم که نه از تاریخ آگاهی دارند و نه بخود زحمت داده اند در این مورد تحقیق نمایند کور کورانه به سر و کول خود زنجیر و قمه زده نذر میکنند که اگر فرزند دلبدشان از بیماری نجات یافت یا به آرزوی خودشان رسیدند سرفرزند بیگناه خود را زخم

زده به خون آغشته نموده ویا او را قربانی راه حسین کنند؟ کسی نمی پرسد که چرا خودشان را قربانی و یا زخم نمیزنند و این کودکان هستند که تاوان نا آگاهی آنها را پس میدهند.



این راه را ادامه راه حسین میدانند!!!؟

چه راهی حسین رفته که ملایان از گفتن حقیقت داستان واهمه داشته و آنرا زیر قمه زنی و زنجیر کشی و فریاد های یا حسین مخفی مینمایند؟ آیا هرگز از خود سنوال کرده اید چرا؟!

داستان روز کربلا از این قرار است:

معاویه که با اقتدار و حيله گری های استادانه ای به کرسی حکومت تکیه زده پسرش یزید را به سرکردگی سپاه و به فرماندهی لشکر گماشته است. در این ایام حسین و خانواده اش در سرزمینی تحت لوای معاویه ویزید زندگی میکنند.

یزید در لشکر خودسرداری دارد که دارای همسری بی اندازه زیبا و خوش بر و رو بنام اورینب است. یزید عاشق و دلپاخته اورینب است و به هر حيله ای دست زده، با ارسال هدایا، پول و جواهر، خرما و شتر، کنیز و غلام نتوانسته دل اورینب را بدست آورد. یزید عاشق پیشه چه شعر ها که برای اورینب نسروده.

حسین ابن علی نامه های متعددی از هواداران خود از مردم کوفه دریافت میدارد که او را به کوفه فرا میخوانند تا با جمع پیروان خود از آن محل بتواند با یزید مقابله کند. او مسلم ابن عقیل را برای بررسی وضعیت بکوفه میفرستد. مسلم خبرهای خوشی به حسین میدهد ولی خیلی ها او را از رفتن بکوفه منع میکنند ولی حسین مصمم است که برود.

یزید نا امید از همه کار، به پدر مکارش معاویه پناه میبرد؛ معاویه یزید را راهنمایی میکند که سردار را به ماموریت بفرستد تا اورینب در فراق همسر به هوس در آید که باز هم نتیجه نمیبخشد. در شهر شایع میکنند که اورینب به هوس بازی با دیگران مشغول است و زناکار میباشد. وقتی سردار از ماموریت برمیگردد و گوشش به شایعه ها آشنا میشود مترصد میشود همسرش را طلاق دهد. حسین همانند جد بزرگوارش که همیشه در صدد دست اندازی به زنان بیوه میبوده در کمین نشسته بود. تا صیغه طلاق جاری میشود به ناگاه بدون توجه به یزید و معاویه زن مطلقه را ربوده و بعقد خود در بیاورد.

حسین ابن علی با اینکار گور خودش و یارانش را میکند. او زنی را که به حيله های یزید و معاویه از همسرش طلاق گرفته است را تصاحب میکند. اینکار حسین برقی در چشمان در انتظار یزید میاندازد که امت عرب تا آن تاریخ بخاطر نداشت.

یزید به حسین ابن علی پیغام میدهد اگر سرش را دوست دارد و سلامت افراد خانواده اش را میخواهد از شیطنت دست بردارد. ولی حسین ابن علی که به مقصود نزدیک شده سر از پا نمیشناسد و در صدد گرفتن کام از همسری تازه است! با نامه هانی که از کوفه رسیده عازم کوفه میشود. در صحرای کربلا با سپاهیان ابن زیاد مواجه میشود. از او سنوال میکنند عازم کجاست، که حسین ابن علی با نشان دادن خرجین نامه ها میخواهد ابن زیاد را قانع کند ولی فرمانده سپاه به حسین و هفتاد و چند نفری که همراه او بودند نه راه پس میگذارد و نه راه پیش و او را در کربلا محاصره میکنند.

چون حسین در راه سفر بود وقتی در صحرای کربلا محاصره میشود پیش بینی جنگی نکرده بود و سپاهی همراه او نبود. یزید و لشگریان معاویه او را محاصره میکنند، هنوز حسین فرصت دارد با دادن طلاق و پس



دادن اورینب جان خودش و همراهان را نجات دهد ولی با کله شقی تمام شانه خالی میکند و زیر بار نمیروود و همانشب به افراد خیمه و بازگاہ میگوید "اینها با من کار دارند هرکس میخواهد میتواند از تاریکی شب استفاده نموده و جان خود را نجات دهد" که همان شب دیگران که جزو افراد فامیل حسین ابن علی نبودند چادرها را ترک نمودند.

این جریان تاریخی که در بسیاری از تواریخ کتاب ها<sup>۱</sup> و نوشته های فقهای اسلام آمده از مردم عادی

پنهان نگاه داشته میشود در حالیکه ریشه حقیقی و اصل واقعه کربلا است. فقهای شیعه همانند همه پنهان کاری های دیگر این اصل تاریخی را وارونه جلوه داده و فقط به حکومت کوفه و عمل یزید و معاویه و کشته شدن اصغر و اکبر اشاره میکنند.

ح-ک

مارچ ۲۰۰۴ (که همزمان با تاسوعا و عاشورا میباشد)

KRK/EJD

۱- زندگانی امام حسین - نوشته زین العابدین رهنما، جلد اول فصل های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵ و فصل ۳۴ برگ ۵۱۴ - تاریخ های انتشار: چاپ اول آبان ۵ ۱۳۴۶، چاپ دوم اسفند ۱۳۴۶، چاپ سوم خرداد ۱۳۴۸ سازمان انتشارات جاویدان.